

رهیافت‌های خروج از مشکل محدثان در روایات متعارض تاب فریقین (مطالعهٔ موردی: روایات دال بر خداونگاری آفرینش صورت انسان)

پوران میرزاei (استادیار گروه حدیث دانشگاه قرآن و حدیث)

mirzaee785@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱)

چکیده

برخی باورها در زمان معصومان به ایجاد پرسش و عرضه انجامیده است و احادیث حاوی پاسخ ایشان، خود، به مثابه راهکاری حلی هستند که باور صحیح را می‌نمایانند. در این میان، روایاتی به چشم می‌خورند که پذیرش ظاهر آن‌ها مشکل است. از یک سو، متعارض با باورها هستند و از دیگر سو، به سبب کثرت نقل و اعتبار منابع نمی‌توان از آن‌ها به راحتی گذشت. تفسیرهای متعدد از «مشهور فریقین» که بر «خدانگاری آفرینش صورت انسان» دلالت دارد، موجب شده است این روایات در شمار روایات متعارض جای گیرند.

نوشتار حاضر با تحلیل اسناد، التفات به خاستگاه صدوری، اعتبارسنجی منابع و نیز تحلیل روش‌های حلی محدثان فریقین سعی دارد به شیوه توصیفی - تحلیلی، وجود معنایی و راهکارهای حلی تعارض در این احادیث را بیان کند که ثمرة آن، دستیابی به رویکردهایی از پذیرش تا انکار است که بیشتر با هدف سازواری با باورهای کلامی سامان یافته است.

کلیدوازگان: خداونگاری آفرینش صورت، تعارض اخبار، مشکل الحدیث، مشهور فریقین.

۱. طرح مسئله

بسیاری از ابهام‌ها در مباحث کلامی در زمان معصومان مطرح بوده و به دلیل هم‌زیستی فرقه‌های مختلف، آگاهی از اندیشه‌ها و باورهای یکدیگر، به ایجاد سؤال در ذهن معاصران ائمه و به تبع آن، عرضه به معصومان انجامیده است. پاسخ



امامان که با گزارش روایان احادیث در جوامع روایی شیعه منعکس شده، خود به مثابه راهکاری حلی و تبیینی است که باور صحیح در این حوزه را می‌نمایاند. در این میان، روایاتی به چشم می‌خورند که پذیرش مراد ظاهری آن‌ها، مشکل‌آفرین است و از جمله آن‌ها، منقولاتی است که در منابع فریقین آمده است و بر خداگونگی انسان در آفرینش صورت دلالت دارند: «... إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ...».

این محتوای روایی که در عرصه‌های مختلف علوم اعم از فلاسفه (صدرالمتألهین، ۱۳۶۶: ۳۹۵ و ۳۹۶ / ۳)، عرفان (ابن عربی، بی‌تا: ۱۲۹ / ۲)، کلام (آمدی، ۱۴۲۳: ۴۶۶ / ۱) و حدیث (مجلسی، ۱۴۰: ۸۴ / ۲)، نظر دانشوران را به خود معطوف داشته، با تفاوت‌هایی فاحش در نقل در منابع گزارش شده است. در روایتی، مفهوم صورت به «مخلوقی حادث» تبیین شده که خداوند آن را بر دیگر صورت‌های مختلف برگزیده است. [حدیث ۱] (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۳۴ / ۱)

در برخی روایات با تصویرگری فضای صدور، مراد از «خلقت آدم بر صورتش»، شباهت انسان‌ها در خلقت و همسانی خلقی ایشان با حضرت آدم ابوالبشر معنا شده است. [حدیث ۲] (صدقو، ۱۳۶۸: ۱۵۳؛ صدقو، ۱۴۰: ۱۱۰ / ۱)

این دو نقل، مشکل نیستند و پاسخ معصوم درباره سؤال از یک نقل شایع در میان مردم (اهل سنت) به شمار می‌روند. با این حال، دیگر نقل‌های این حدیث به دلیل نامشخص بودن مرجع ضمیر «ه» با ابهام همراه است: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ». [حدیث ۳] (ابن حنبل، بی‌تا: ۳۲۳ / ۲)

در برخی نقل‌ها از ضربه زدن به صورت دیگران به دلیل شباهت خلقت وجه آدم بر صورتش نهی شده است. [حدیث ۴] (صنوعی، بی‌تا: ۹ / ۴۴؛ ابن حبان، ۱۴۱۴: ۴۱۹ - ۴۲۰)

گاهی نهی از دشنام وجه، جای گزین نهی از ضربه و مقاتله شده است. [حدیث ۵] (حمیدی، ۱۴۰۹: ۴۷۶ / ۲) برخی روایات نیز میان این دو جمع کرده و از نهی ضربه و دشنام توأمان سخن گفته‌اند. [حدیث ۶] (صنوعی، بی‌تا: ۹ / ۴۵؛ ابن حنبل، بی‌تا: ۲۵۱ / ۲)

۱. این محتوا در قبال لای ااظی دیگر نیز گزارش شده است. مکلف: صدقه ۱۳۶۸: ۱۴.

در نقلی متفاوت، پس از اشاره به خلقت آدم بر صورت، با ترسیم طول ۶۰ ذراعی حضرت آدم^ع، از تکلم ایشان با ملایکه صحبت شده و در آخر آمده است که هر کس وارد بهشت می‌شود، شبیه آدم^ع و به طول ۶۰ ذراع خواهد بود و انسان‌ها بعد از حضرت آدم^ع رفته رفته کوتاه شده‌اند. [حدیث ۷] (ابن منبه، ۶: ۳۰؛ ۱۴۰۶: ۳۸۴/۱۰؛ ۱۲۵/۷)

در تمامی این نقل‌ها، مرجع ضمیر «ه» در «صورته» مبهم است به جز یک نقل که بر خلاف دیگر نقل‌ها، مرجع ضمیر را ظاهر کرده و خداوند رحمان را مفروض داشته است: «لَا تَقْبِحُوا الْوِجْهَ فَإِنَّ أَدَمَ خُلِقَ عَلَىٰ صُورَةِ الرَّحْمَنِ تَعَالَىٰ». [حدیث ۸] (طبرانی، بی‌تا: ۱۲/ ۳۲۹)

اگر مرجع ضمیر، حضرت آدم^ع باشد، روایت این گونه معنا خواهد شد: «خدا، انسان‌ها را شبیه حضرت آدم آفریده است». این معنا بدیهی است و نیاز به بیان ندارد. (طباطبایی، ۱۳۹۶: ۱۵۲) اگر مرجع ضمیر، لفظ جلاله «الله» باشد، روایت به این معناست: «خداوند، انسان را شبیه صورت خودش (خدا) آفرید». در این صورت، این مشکل جدید پدید می‌آید که خداواری انسان در آفرینش ملازم با نسبت دادن صورت، تمثال و هیئت به خداوند متعال است. در آخر، اگر مرجع ضمیر به شخصی خارج از متن حدیث بازگردد، نیاز به قرینه‌ای است که بر آن دلالت کند.

نقل‌های مختلف، تفسیرهای متعدد و خدشهای برخی ناقدان موجب شده است روایت یادشده هم در شمار مشکل الحدیث و هم در دریف اختلاف الحدیث جای گیرد. پژوهش حاضر قصد دارد مسائل مطرح حول مفهوم‌شناسی این دسته از روایات را از نگاه محدثان به تحلیل بنشیند. روایت مورد نظر در نگاه متكلمان و عارفان نیز جایگاهی ویژه دارد، اما مقاله حاضر صرفاً در مقام پرداختن به خوانش‌ها و تحلیل‌های محدثان در این حوزه همت دارد و نظر متكلمان و عارفان، مقام بحث این نوشتار نیست. در صورت، لزوم تنها به ارائه گزارش گذرا از آن‌ها بسند و به مقالاتی که به صورت تخصصی به این دیدگاه‌ها پرداخته‌اند، ارجاع شده است.

۱. برخی نقل‌ها نیز به جای نهی از ضربه، به دوری از وجه در مقاتله اشاره کرده‌اند: (ابن حنبل، بی‌تا: ۲/ ۸/ ۳۲؛ نیسابوری، بی‌تا: ۸/ ۳۲؛ ۶۳ و ۱۹).

۲. پیشینه و روش پژوهش

روایت «صورت»، تاکنون نظر هفت محقق را به خود معطوف داشته و در چهار مقاله با نگاه عرفانی و دو مقاله با نگاه حدیثی به آن پرداخته‌اند:

فؤادیان در «پرتو حسن در شرح حدیث صورت» (۱۳۸۰)؛ آذرخشی و پهلوان در «تحقيق در متن و اسناد حدیث - ان الله خلق آدم على صورته - و نقد دیدگاه ابن عربی» (۱۳۸۹)؛ میری در «تفسیر عرفانی حدیث آفرینش انسان بر صورت الهی در اندیشه امام خمینی» (۱۳۹۲) و صمدانیان و آقادادی در «روایتشناسی حدیث - إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ - وَ چَغْوَنَگی بازتاب آن در متون منثور سنت اول عرفانی» (۱۳۹۸)، تا حدودی به تحلیل‌های عارفان درباره این حدیث پرداخته‌اند. صدرتبار در «خدائگونگی انسان در آفرینش» (۱۳۸۷)، پاکتچی در «احادیث آفرینش آدم - على صورته - : چالش‌های فهم در سده‌های دوم و سوم هجری» (۱۳۹۳) و شاکر سلماسی در «بررسی سندی و دلالی روایت «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ»» (۱۳۹۳) سعی داشته‌اند به بررسی فهم دیگر عالمان یا تحلیل زمان صدوری پردازنند. با این حال، هیچ یک به روایات صورت به شکل یک مجموعه روایی ننگریسته و تنها نقل کوتاه این روایت را به عنوان یک تک روایت بررسی کرده‌اند. هم‌چنین تحلیل رهیافت‌های عالمان با نگاه مشکل‌الحدیثی و اختلاف‌الحدیثی و ارائه راهکارهای حلی در رفع ابهام‌ها و نیز تعارض این دسته روایات، در حوزه تحقیقاتی این مقالات نگنجیده است.

پژوهش حاضر سعی دارد به شیوه توصیفی - تحلیلی بر این مهم همت گمارد. البته پیش از پیمودن فرآیندهای فهم روایات نیاز است در گام اول، میزان اصالت و وثوق صدوری آن‌ها بررسی شود. پس از گذر از این مرحله، گام دوم، کشف معنای اصیل حدیث و فهم مراد جدی و در بی آن، کشف راه حل‌های مشکل و اختلاف متون است. پیمودن مراحل پیش‌گفته، نیازمند نگاه جمعی به تمام روایات هم‌مضمون در این حوزه، تحلیل اسناد، التفات به خاستگاه صدوری و مکتوب احادیث، تحلیل میزان اعتبار منابع، واکاوی‌های رهیافت‌های عالمان و ارائه راهکارهای حلی در رفع تعارض و زدایش غموض این روایات مشکل‌تاب است. از این رو، نخست به اعتبارسنجی صدوری این احادیث پرداخته و بعد به تلاش‌های

دانشوران فریقین در ابهام‌زدایی از فحوات احادیث توجه داده و سرانجام، عهده‌دار تحلیل رهیافت‌ها و ارائه راهکارهای حلی شده است.

۳. تحلیل منابع و خاستگاه صدوری و مكتوب فریقین

قدیمی‌ترین منبع شیعی این حدیث، الکافی است. (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۳۴/۱) پس از آن، دو کتاب التوحید (صدقوق، ۱۳۶۸: ۱۵۲ و ۱۰۳) و عيون اخبار الرضا (صدقوق، ۱۴۰۴: ۱۱۰/۱) آن را نقل کرده است و کنز الفوائد، آخرین ناقل متقدم این متن در شیعه است. (کراجکی، بی‌تا: ۲۷۴) از آن پس، دیگر عالمان به نقل از همین منابع، گزارشگر این روایتند.



به عنوان قدیمی‌ترین منبع ناقل این روایت در اهل سنت می‌توان از کتب صحیفه همام (ابن منبه، ۱۴۰۶: ۳۰)، المصنف عبدالرزاق (صنعتی)، بی‌تا: ۴۴۴/۹ و ۴۴۵: ۴۴۵/۱۰)، المسند (حمیدی، ۱۴۰۹: ۴۷۶/۲)، المسند (ابن حنبل، بی‌تا: ۲/۲، ۲۴۴، ۳۲۳، ۴۶۳ و ۵۱۹)، الصحيح (بخاری، ۱۴۰۱: ۷/۱۲۵)، الصحيح (نیشابوری، بی‌تا: ۳۲/۸) و المعجم الكبير (طبرانی، بی‌تا: ۱۲/۳۲۹) نام برد.

از این رو، خاستگاه مكتوب حدیث «خدالنگاری صورت انسان» در شیعه، ابتدای قرن چهارم و در اهل سنت، نیمة اول قرن سوم است و منابع ناقل روایت، همه در شمار جوامع متقدم روایی هستند و جایگاهی ویژه دارند.

روایت هم طریق شیعی و هم طریق سنی دارد، اما چگونگی نقل میان این دو متفاوت است، به گونه‌ای که سنی بودن طریق اصلی روایت از آن استنباط می‌شود. با دقت در تعبیرهایی همچون «سئللت أبا جعفر... عما يرونون» (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۳۴/۱) یا «قلت للرضا... إن الناس يرونون» (صدقوق، ۱۳۶۸: ۱۵۲ و ۱۰۳) در کلام راویان شیعی درمی‌یابیم که این روایت در زمان امام باقر^{علیه السلام} و امام رضا^{علیه السلام} در میان اهل سنت شایع بود.

چون این روایت با باورهای برخی فرقه‌های اسلامی مبنی بر تشبيه و تجسيم هم‌خوانی دارد، پذيرش مفهوم آن برای شاگردانی همچون محمد بن مسلم یا حسين بن خالد با سؤال همراه است. از این رو، با عرضه حدیث به امام، صحت صدور آن از پیامبر را جویا شدند. چون عمر شریف امام باقر^{علیه السلام} تا سال ۱۱۴ هجری

گزارش شده، این حدیث، صد و اندی سال پیش از قرن سوم و اوایل قرن دوم میان اهل سنت شایع بوده است. البته شیخ صدوq با طریق دیگری نیز این روایت را به نقل از امیرالمؤمنین علیؑ آورده است که چهار راوی آخر سند، همه از راویان اهل سنت هستند. از این رو، نقل ایشان، نتیجه را تغییر نمی‌دهد: «... حدثنا الحکم بن اسلم، قال: حدثنا ابن علیة عن الجریری، عن أبي الورد بن ثمامۃ، عن علیؑ...». (صدوق، ۱۳۶۸: ۱۵۲ - ۱۵۳)

هم‌چنین با توجه به خاستگاه صدوری روایت در شیعه و سؤال راویان از امام باقرؑ و امام رضاؑ مشخص می‌شود که نگاه صحیح توحیدی و چگونگی انتساب صورت یا وجه به خداوند متعال در آن عصر، محل بحث و نیازمند تبیین بوده است.

۳ - ۱. تحلیل متن و اسناد حدیث

این روایت در جوامع حدیثی به گونه‌های متعددی نقل شده است. نقل‌های شیعی معمولاً طولانی‌تر و با پرسش راوی درباره مسموعات خود از اهل سنت و نیز پاسخ امامان همراه است، اما نقل‌های اهل سنت کوتاه و با الفاظ گوناگون گزارش شده‌اند.

دو گونه نقل در منابع شیعی مشاهده می‌شود: گونه اول، سؤال محمد بن مسلم از امام باقرؑ است درباره حدیثی رایج در میان مردم با این مضمون که خداوند متعال، آدم را شبیه صورتش آفریده است. پاسخ امام، صورت را آفریده‌ای حادث می‌داند که خداوند آن را بر دیگر صورت‌ها برگزیده است و اضافه شدن صورت به خداوند را همانند اضافه شدن کعبه و روح به خدا، نوعی اضافهٔ تشریفی می‌شمارد. در واقع، پاسخ امام باقرؑ در عین این‌که صدور روایت و معنای ظاهری آن را تصدیق می‌کند، به تبیین معنای صورت در خداوند نظر دارد. [حدیث ۱]

گونه دوم، سؤال حسین بن خالد از امام رضاؑ و نیز نقلی با طریقی سنی از امیرالمؤمنین علیؑ است که هر دو، سبب صدور روایت را دربردارند و بسیار به هم شبیه‌ند. سبب صدور به این شکل است که دو نفر با یکدیگر نزاع می‌کردند و به هم دشنام می‌دادند. پیامبر اکرمؐ بر آن‌ها گذشت و منازعه آن‌ها را دید. یکی از آن‌ها

۱. عبدالهادی مسعودی و نیز سید محمد کاظم طباطبائی در کتاب و جزوه درسی چاپی خود در دانشگاه قرآن و حدیث، به اجمال به مفهوم پرداخته‌اند: (مسعودی، ۱۳۸۹: ۵۷؛ طباطبائی، ۱۳۹۶: ۱۲۴ و ۱۲۵).

به دیگری می‌گفت: «خداؤند روی تو و روی هر کس را که شبیه توست، زشت گرداند.» پیامبر اکرم ﷺ به او فرمود: «به برادر خود چنین مگو؛ زیرا خدای عزیز، حضرت آدم ﷺ را به صورت او خلق کرد.» [حدیث ۲]
ناگفته پیداست که میان تحلیل امام باقر علیه السلام و دو حدیث دیگر، در ظاهر، اختلاف وجود دارد.^۱

این روایت در جوامع حديثی اهل سنت سه گونه دارد. گونه اول به نقل از ابوهریره آمده و دچار اضطراب متن است به این معنا که گاه در قالب منع از ضربه زدن به صورت یا دوری از وجه در قتل [حدیث ۶]؛ گاه در مقام منع از دشنام وجه [حدیث ۲] و گاه تنها به بیان خلقت آدم بر صورتش [حدیث ۳] بسنده شده است. این روایت تنها در معجم کبیر طبرانی به نقل از فرد دیگری (عبدالله بن عمر) نیز آمده که در آن، عبارت «صورت الرحمان تعالیٰ» جای‌گزین کلمه «صورته» شده [حدیث ۸] که به اذعان خود اهل سنت، دچار نقل معنا [یا به عبارت صحیح‌تر، تصحیح راوی] است و این گوییش از حدیث ناصحیح و غلط است. (نک: نووی، ۷: ۱۴۰ / ۱۶۶ / ۱۶) از این رو، همان عبارت «صورته»، متن اثبات‌شده حدیث خواهد بود.

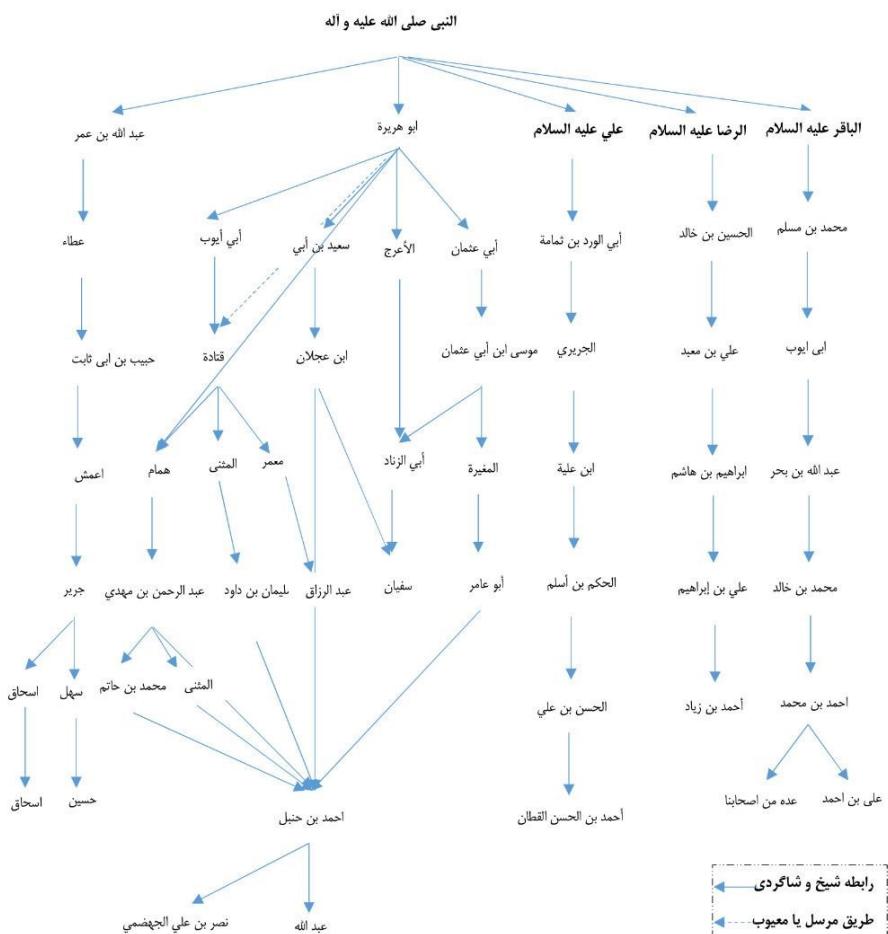
در هیچ یک از منابع موجود اهل سنت، سبب صدور روایت نیامده است. در منابع شیعی، ابوالفتح کراجکی (۴۴۹ ق) این حدیث را با سندي از اسناد پرتکرار اهل سنت نقل می‌کند که گزارشگر همان سبب صدور است [حدیث ۹] (کراجکی، بی‌تا: ۲۷۴). این سخن به آن معناست که صاحب کنز الفوائد در قرن پنجم به منبعی از منابع اهل سنت دسترسی داشته که اکنون موجود نیست؛ همان گونه که صدوق به طریقی از طرق اهل سنت دسترسی داشته است که اکنون در هیچ یک از منابع سنی و شیعه وجود ندارد. (صدوق، ۱۳۶۸: ۱۵۲ - ۱۵۳) از این رو، تمام نقل‌های اهل سنت همانند گونه دوم روایات شیعی هستند، اما بدون اظهار فضای صدور.

۱. تاریخ رحلت امام باقر علیه السلام، از ۱۱۳ تا ۱۱۸ ذکر کرده‌اند، اما بیشتر مورخان شیعی و سنی وفات آن حضرت را در ۱۱۴ دانسته‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۶ / ۲۱۹؛ ابن عمار، ۱۴۰۶: ۷۲ / ۲؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۴۰۱ / ۴)

بنا بر آن چه گفته شد و نیز با ترسیم «شبکه اسناد» روایت (نمودار ۱) مشاهده می‌شود که نقل‌های شیعی هر یک به تفکیک به صورت «مفرد» گزارش شده است، اما این روایت با احتساب نقل شیعی و سنی و با داشتن حداقل ۵ راوی در هر طبقه، به ظاهر «مشهور» خواهد بود.

این نگاه ظاهیری قابل خدشه است؛ چون در نقل این عمر می‌توان تشکیک کرد و دیگر نقل‌ها نیز محل بحثند. امامان این متن را گزارش نکرده و تنها در پاسخ راویان که از متن موجود در اهل سنت پرسیده‌اند، به گونه‌ای آن را شرح کرده‌اند. پس این طرق، طریق شیعی محسوب نمی‌شوند. در ادامه از وجوده تشکیک در نقل این عمر بحث خواهد شد و چه بسا بتوان ابوهریره را راوی انحصاری این روایت معرفی کرد.

نمودار ۱



۴. تحلیل مشکل و رویکردهای حلی

گفته شد که مشکل این مجموعه روایی، نامعلوم بودن مرجع ضمیر «ه» در «صورته» است. رویکردهای اندیشوران در رفع اشکال این روایت اعم از پذیرش، تأویل، توقف یا انکار، در ادامه به تصویر کشیده شده است.

۴-۱. رویکرد پذیرشی

گروهی، فرقه مشبهه یا حشویه، (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶: ۴۵۰/۷؛ آمدی، ۱۴۲۳: ۴۶۶/۱؛ طوسی، ۱۴۰۵: ۴۴۹؛ جوینی، ۱۴۱۶: ۷۰) اهل تناسخ، (استرآبادی، ۱۳۸۲: ۲۱۸) و مجسمه، (ابن جوزی، ۱۴۱۳: ۱۴۷، به نقل از قاضی ابویعلی) را بر این باور می دانند که خداوند سبحان به صورتی همانند صورت حضرت آدم ﷺ متصور است.

ابن قتیبه از اهل سنت تنها کسی است که پذیرش مطلق مراد ظاهری روایت را به صراحة اظهار داشته است و می گوید: «نسبت دادن صورت به خداوند، عجیب‌تر از نسبت دادن دو دست، انگشتان و چشم نیست که در قرآن آمده است. مردم با این تعبیرها مأنوسند؛ چون در قرآن آمده است، ولی از تعبیر صورت وحشت دارند؛ چون در قرآن نیامده است. به اعتقاد من، باید به همه این تعبیرها ایمان داشته باشیم و درباره کیفیت و حد هیچ یک از این موارد نباید سخنی گفت.» (دینوری، بی تا: ۲۱۷-۲۲۱) در واقع، او به تشبيه بلاکیف معتقد است؛ نظری که حتی هم‌مذهبانش هم‌چون ابن جوزی نیز آن را نقد کرده‌اند. (ابن جوزی، ۱۴۱۳: ۱۴۷)

۴-۲. رویکرد تأویلی

به جز اندک موارد، تقریباً هیچ یک از عالمان اعم از محدثان، متکلمان، فلاسفه و عارفان، مراد ظاهری روایت را به صورت مطلق، صحیح ندانسته‌اند. حتی ابن عربی که در نگاه عرفانی خود، مدافعان ظاهر حدیث و دارای نظرهای شاذ است، مدلول واژه «صورت» را تجسيم خداوند سبحان ندانسته است و به تبیین و تأویل چگونگی خلقت انسان بر صورت خداوند دست می‌آویزد. محصول تلاش عالمان در تبیین مراد روایت، ارائه وجوده تأویلی به این شرح است:

۴ - ۱ - ۱. فرض عود ضمیر «ه» به خداوند متعال

عالمانی که معنای روایت را «خداواری خلقت انسان در صورت» فرض می‌کنند؛ همسانی در صورت را به هشت معنا تفسیر کرده‌اند:

۴ - ۱ - ۱ - ۱. دلالت بر اضافهٔ تشریفی

اضافه شدن صورت به خداوند متعال از نوع اضافهٔ تشریفی است. این نگاه که بر حدیث امام باقر^ع (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۳۴/۱) منطبق است، نسبت صورت به خداوند را از نظر شرافت‌بخشی به انسان معنا می‌کند؛ همان‌گونه که گفته‌می‌شود بیت‌الله، روح‌الله و شبیه آن. سید مرتضی، اولین عالم شیعی است که یکی از وجوده معانی این روایت را «تشریف» می‌داند (۱۳۲۵: ۴۶/۳ - ۵۳). صدرالمتألهین، (۱۳۶۶: ۳۹۶/۳) فیض کاشانی، (۱۴۰۶: ۱۴۰/۱) علامه مجلسی، (۱۴۰: ۲/۲) ۱۴۰۳: ۸۴ و ملا صالح مازندرانی (۱۴۲۱: ۱۶۳/۴) از دیگر عالمان شیعی و ابن جوزی (۱۴۱۳: ۱۴۴) و نووی (بی‌تا: ۱۶۵/۱۶) نیز از عالمان اهل سنت با این وجه معنایی موافقند.

باید گفت که تحلیل روایت امام باقر^ع با تفسیر عالمانی که نسبت صورت به خداوند را اضافهٔ تشریفی می‌دانند، متمایز است؛ چون آنان اضافه شدن صورت انسان به خدا را از نظر اضافه شدن و نسبت داده شدن به خود خداوند متعال موجب شرافت انسان می‌دانند، نه همسانی در خلقت با «ملحوظی حادث» از مخلوقات خداوند متعال که آن مخلوق، شریف و ویژه است. به نظر می‌رسد یکی از وجوده محتمل سید مرتضی، (۱۴۰۹: ۱۲۷) کراجکی، (بی‌تا: ۱۶۷/۲) فیض کاشانی (۱۴۰: ۱۵/۱) و قاضی سعید قمی (بی‌تا: ۲۳۷/۲)، ناظر بر این معنا باشد، آن جا که قائلند خداوند، انسان را شبیه صورت مخلوقی آفریده که آن را برگزیده است.

۴ - ۱ - ۱ - ۲. دلالت بر اضافهٔ تشییه‌ی

صدرالمتألهین (۱۳۶۶: ۳/۳۹۵ و ۳۹۶) با تشییه انسان به شیخ کبیر، پس از آن که میان قلب و عرش، کرسی و بینی انطباق داده است، صورت را به ذات خداوند اضافه می‌کند. علامه شعرانی در تعلیقه بر شرح ملا صالح مازندرانی، این عمل ملاصدرا را اضافه از نظر اضافهٔ تشییه‌ی به صفات، بدون انفعال و تأثر در نظر گرفته است. (مازندرانی، ۱۴۲۱: ۱۲۵/۴ - ۱۲۷)

۴-۱-۳. دلالت بر اضافه تخصیصی

برخی از اهل سنت این اضافه را اضافه تخصیصی می‌انگارند، به این معنا که انسان در سلطنت، نفوذ امر و حاکمیت بر دیگر مخلوقات، به رب سبحان شبیه است و این از ممیزات و مختصات انسان است. (ابن جوزی، ۱۴۱۳: ۱۴۷، به نقل از: ابن عقیل)

۴-۱-۴. دلالت بر فعل خدابودن و خلقت بی‌واسطه

برخی، روایت را در مقام بیان خلقت بی‌واسطه انسان می‌دانند یعنی انتفاع شک از این که خلقت انسان، تألیف غیر خداوند متعال باشد. (سید مرتضی، ۱۳۲۵: ۴۶/۳ - ۵۳؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲: ۱۸۳) بنا بر این، شکل‌دهی به آدم^ع، فعل انحصاری خداوند متعال است بدون دخالت ملک مصور در ارحام؛ زیرا تألیف توسط غیر خدا در مواردی است که مقدور بشر باشد. جواهر و اجناس مشابه آن‌ها از مواردی است که تنها خداوند بر خلق آن‌ها قدرت دارد. (سید مرتضی، ۱۴۰۹: ۱۲۸)

۴-۱-۵. دلالت بر مَثَلِیت در صفات کمالیه خداوند

ابن ابی جمهور با بیان این که مراد از «صورت» در اینجا صورت معنوی است، خلقت حضرت آدم^ع را بر اساس صورت معنوی می‌داند که در این صورت معنوی به خداوند شباهت دارد. پس حضرت آدم^ع دارای صفات و کمالاتی است که از جهتی مناسب و مماثل با صفات الهی است. (۱۴۰۳: ۵۳) صدرالمتألهین، (۱۳۶۶: ۱۳۶۶ و ۳۹۵/۳) فیض کاشانی، (۱۱۹/۳: ۱۳۸۷) قاضی سعید قمی، (بی‌تا: ۲۲۵/۲ - ۲۳۸/۲) علامه مجلسی (۱۴۰۴: ۸۴/۲؛ ۱۴۰۳: ۱۲۱/۱۱) و محقق سبزواری (۱۳۸۳: ۳۴۷/۱) به همین وجه معنایی حدیث معتقدند.

تحلیل امام خمینی از این وجه، بسیار شبیه قول صدرالمتألهین و تقریباً جامع‌ترین بیان این وجه است. از نگاه ایشان، انسان کامل، مظهر اسم جامع و آیینهٔ تجلی اسم اعظم است یعنی آدم، مَثَل اعلای حق و مظہر اتم و مرآت تجلیات اسماء و صفات مانند وجه الله، عین الله و ید الله است. انسان کامل که آدم ابوالبشر، یکی از مصادقه‌های آن است، بزرگ‌ترین آیات و مظاهر اسماء و صفات و مَثَل و آیت حق تعالی است و خدای تبارک و تعالی از «مَثَل» یعنی شبیه، منزه و مبراست، ولی ذات مقدس را نباید از «مَثَل» به معنای آیت و علامت، تزیه کرد: «وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى». (بی‌تا: ۶۳۵ و ۶۳۶)

^۱ پهلوان، ۱۳۸۹

این جوزی از اهل سنت نیز اولین بار این نظر را به صورت بسیار گذرا بیان کرده است (۱۴۱۳: ۱۴۴) و پس از او، ابن عربی نزدیک به این معنا را با اشاره به مقام خلیفة‌الله‌ی انسان طرح می‌کند. (بی‌تا: ۱۲۹/۲) البته برخی تعبیرهای ایشان محل نقد است. او از جمله عارفانی است که خداگونگی انسان را به سه معنای متفاوت از نگاه دیگران دانسته است. (همان) البته ایشان محدث نیست و نظرهای ایشان بیش‌تر جنبه عرفانی و برداشت‌های شخصی و ذوقی وی از روایت است که تحلیل و نقد آن در گستره پژوهش حاضر نیست. با این حال، چون در برخی موارد، نظر او بر دیگر عالمان و محدثان اثرگذار بوده است، به صورت گذرا به آن‌ها اشاره می‌شود و بسط آن به مقالات تخصصی در این حوزه ارجاع می‌شود. (آذرخشی و

۴-۱-۶- دلالت بر توحید ذاتی

اولین فرض او، دلالت روایت بر توحید ذاتی است. تلقی او از صورت خداوند، بر عقیده وی به وحدت وجود و تجلی ذات خداوند در هستی مبتنی است که آن را توحید ذاتی خدا می‌داند. او تصریح می‌کند که «خداوند، آدم را بر صورت خودش خلق کرده و انسان، مجموع عالم است و علم خداوند به عالم، چیزی جز علم او به خودش نیست؛ زیرا در عالم، چیزی جز او نیست. پس ناگزیر، عالم باید بر صورت خدا باشد. هنگامی که خدا، عالم را در عینیتش ظاهر کرد، عالم، تجلی‌گاه او شد. خدا با نگاه به عالم، جز خودش را نمی‌بیند؛ پس جمال خویش را دوست دارد و عالم، جمال خداست». (ابن عربی، بی‌تا: ۳۴۶/۲) از نگاه وی، خداوند، عالم را نیافریده است جز بر صورت خویش و او زیباست. پس تمام عالم زیباست. (همان: ۵۴۲)

قاضی سعید قمی نیز هم اعتقاد با ابن عربی، این روایت را دال بر وحدت ذات می‌داند و خلقت انسان را مبتنی بر خلقت اسم جامع حقایق می‌شمارد. به تعبیر دیگر، انسان به منزله مرکز ظهور حقایق است، چنان‌که اسم الله، مرکز بطون و ظهور است. (بی‌تا: ۲۳۶/۲)

۱. عدم موافقتنمایی دو حدیث (دو دسته ادیث) با یکدیگر به گونه‌ای که دوظاهر از نظر مغایه اد جلوه کنند، اختلاف الحدیث‌نام دارد که مباحثه از دانش‌های حدیثی است. (شهیدشان: ۱۴: ۱۲۴)

۴-۱-۷. دلالت بر توحید افعالی

نظر دوم ابن عربی بر این است که روایت بر توحید افعالی دلالت دارد. به باور او، چون خداوند، انسان را ب صورت خود خلق کرده است، هر کاری که انسان انجام می‌دهد، در واقع، خدا انجام داده است. (ابن عربی، بی‌تا: ۴۷۱/۳) البته این نظر، سرانجامی همسان با باور جبرگرایان خواهد داشت که نقد هم شده است.
(نک: آذرخشی و پهلوان، ۱۳۸۹: ۱۱-۳۴)

۴-۱-۸. دلالت بر صحبت تصویرهای انسان درباره خداوند

چهارمین برداشت ابن عربی از این روایت، صحیح شمردن تمام تصویرهایی است که انسان از خداوند متعال دارد. از نگاه او، مراد از صورت، با فرض ارجاع ضمیر «**ه**» به خدا، صورت اعتقاد درباره خداست که انسان در نفس یا نظر یا وهم و خیال خود می‌آفریند و می‌گوید که این پروردگار من است و آن را می‌پرسند؛ چون خدا در انسان نیروی تصور را قرار داده و او را جامع تمام حقایق عالم کرده است. پس در هر صورتی که به پروردگار خود معتقد باشد و او را بپرسد، از صورتِ حقیقی خدا خارج نخواهد شد. (ابن عربی، بی‌تا: ۲۱۲/۴)

فرض عود ضمیر «**ه**» به آدم ﷺ

عالمان با فرض این که مرجع ضمیر «**ه**»، حضرت آدم ابوالبشر باشد، سه وجه معنایی از حدیث برداشت کرده‌اند:

خلقت دفعی آدم ﷺ

سید مرتضی (۱۳۲۵: ۴۶/۳ - ۵۳) و کراجکی (بی‌تا: ۱۶۷/۲) از شیعه و ابن جوزی (۱۴۱۳: ۱۴۴) از اهل سنت، با اشاره به این که پیدایش آدم ﷺ بدون سپری کردن مراحلی است که انسان از بدوان عقد نطفه می‌ییماید، این حدیث را ناظر به آفرینش دفعی و یکباره حضرت آدم ﷺ دانسته‌اند. این به نوعی ردیه‌ای بر نظر مادی‌گرهاست که خلقت انسان را تنها از طریق نطفه می‌دانند. (فاضل مقداد، ۱۴۲۲: ۱۸۲)

خلقت ابداعی آدم ﷺ

از دیگر وجوده معنایی، اشاره حدیث به بدون الگو بودن خلقت آدم ﷺ است. (سید مرتضی، ۱۳۲۵: ۴۶/۳ - ۵۳؛ ابن جوزی، ۱۴۱۳: ۱۴۴) به دیگر سخن، خداوند،

آدم ﷺ را به صورت ابداعی و بدون نمونه سابق آفرید و از صورت و حال دیگری نیافرید.

تغییر نکردن صورت آدم ﷺ

سید مرتضی، وجه دیگر معنای حديث را این می‌داند که خداوند، حضرت آدم ﷺ را به همان صورتی خلق کرد که از دنیا رفت و در صورت او، هیچ کم و زیادی ایجاد نشد، چنان‌که همه بشر به همین شکل هستند. (۱۴۰۹: ۱۷۶) ملا صالح مازندرانی، لایتغیر بودن صورت آدم ﷺ را به گونه‌ای دیگر بیان کرده و گفته که مراد این است که خداوند، صورت آدم ﷺ را به همان صورتی خلق کرد که پیش از هبوط و در بهشت بود و این گونه نبود که صورت ایشان پس از هبوط تغییر کرده باشد.

(۱۴۲۱: ۱۲۵ - ۱۲۷)

فضل مقداد نیز می‌گوید که بر خلاف تفکرهای باطل، حضرت آدم ﷺ هنگام اخراج از بهشت با مسخ شدن عقاب نشد و خلقتش تغییر نکرد، بلکه پیش از اخراج نیز همین گونه بود. (۱۴۲۲: ۱۸۲) ایشان هم‌چنین حديث را در مقام رد باوری می‌داند که خلقت حضرت آدم ﷺ را به گونه‌ای متفاوت، بسیار عظیم‌الجثه و بلند قامت ترسیم می‌کند که سرش به آسمان می‌رسید. بنا بر این، از نگاه او، حديث در مقام بیان شباهت خلقی حضرت آدم ﷺ با دیگر نوع بشر است. (همان)

فرض عود ضمیر «ه» به فرد مضروب

مطابق با نقل‌های ناظر به سبب صدور، مرجع ضمیر می‌تواند فرد مضروب و شخص ثالثی باشد که در سبب صدور و بخش تقطیع شده حديث به آن اشاره شده است. برخی عالمان هم‌چون شیخ صدق (۱۳۶۸: ۱۵۲ و ۱۵۳؛ ۱۴۰۴: ۱۱۰/۱) از شیعه و ابن حجر (بی تا: ۱۳۳/۵) از اهل سنت، این وجه معنایی را بر دیگر وجوده ترجیح داده‌اند.

تغییر و تصرف در معنای شایع برخی واژگان روایت

در نگاهی متفاوت، محقق سبزواری، مشکل حديث را با تصرف در معنای واژگان آن حل کرده است. ایشان، مراد از «آدم» را انسان کبیر و عالم گرفته و گفته است: «نzd ما، عالم صورت، صورت انسان کامل محمدی است که روحانیت او «عقل کل»

است». (سبزواری، ۹۱/۱: ۱۳۸۳) این نظر تا حدودی به نظر امام خمینی نزدیک است، اما نوع تعبیر و زاویه نگاهش کمی متفاوت می‌نماید. در کلام امام خمینی از مرجع ضمیر بحث می‌شود، اما در کلام محقق سبزواری، در مفهوم واژه «آدم» تصرف شده است.

ابن جوزی، واژه «صورت» را به معنای «صفت» گرفته است. از منظر او، آدم^ع بر صفات خداوند متعال اعم از حیات، علم، قدرت، سمع و بصر خلق شده و از همین باب با جمیع ملایکه و حیوانات متمایز است. (۱۴۱۳: ۱۴۷) تفتازانی از اهل سنت و فاضل مقداد از شیعه نیز این را محتمل دانسته‌اند که صورت، صفت معنا شود، اما صفتی که هر شیء بر آن قائم است، نه صفاتِ الله متعال. (تفتازانی، ۱۴۰۸: ۸/۳؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲: ۱۸۳) ابن عربی (بی‌تا: ۱۲۴/۲) و قاضی سعید قمی (بی‌تا: ۲۳۴/۲) با تصرف در معنای کلمه «صورت»، آن را به معنای «علم» دانسته‌اند. به این ترتیب، خلقت آدم بر صورت خداوند یعنی خلقت بر علم خداوند متعال.

تقریباً می‌توان گفت تمامی این دانشوران با نگاه غریب‌الحدیثی به روایت نظر دارند و با تصرف در معنای شایع برخی واژگان و ارائه معنای جدید از لغت، بر رفع مشکل حدیث همت گمارده‌اند.

مجاز از مسیح

برخی از اهل سنت، «آدم» را مجاز از «عیسی مسیح» برشمرده‌اند و روایت را بدین معنا می‌دانند که خداوند متعال، عیسی^ع را مانند چهره و صورت خود بیافرید. (بغدادی، ۱۹۹۲: ۱۱۳؛ مشکور، ۱۳۷۲: ۱۵۰) البته این وجه تأویلی نه تنها هیچ کمکی به حل مشکل روایت نمی‌کند، بلکه مشکل خلقت عیسی^ع بر صورت خدا را به همان قوت مشکل خلقت آدم^ع بر صورت خدا به مسئله می‌افزاید. نکته مهم‌تر آن است که دلیل این تأویل نیز نامشخص است.

رویکرد توقفی

ابن جوزی از اهل سنت، تنها عالمی است که یکی از رویکردهای صحیح نسبت به روایت را «سکوت و توقف» اعلام می‌کند. (ابن جوزی، ۱۴۱۳: ۱۴۴)

رویکرد انکاری

عالمانی از شیعه و سنی، این روایت را در شمار مجموعات یا محرفات در نظر گرفته‌اند. از نگاه ایشان، این روایت یا کاملاً مجموع است یا جزئی از آن تحریف شده است. مجموع نظرهای ایشان در سه بخش جای می‌گیرد:

مجموع و اسرائیلی بودن^۱

چون این روایت عیناً در تورات، در سفر پیدایش، فرازهای ۵ و ۹ آمده است، (تورات، ۴: ۱۹۰؛ سفر پیدایش، فقره ۵ و ۹) بعضی محققان آن را آموزه‌های ابوهریره از کعب الاحبار دانسته‌اند که چون برای دیگران بازگو کرده است، برخی، آن را حدیث پیامبر پنداشته‌اند. عالمانی از شیعه (هاشمی خویی، ۱۳۶۰: ۷۲۴۴/۱۷؛ شرف‌الدین عاملی، بی‌تا: ۱۴۲۲؛ مظفر، ۱۷۰/۴؛ سبحانی، ۱۴۱۹: ۳۸۲) و اهل سنت (ابوریه، ۱۹۷۰: ۲۴۷) بر این باورند.

برخی از عالمان شیعی نیز روایت را از مجموعات برشمرده‌اند، اما دلیل ایشان، اسرائیلی بودن نیست، بلکه محتوای تشبیه‌ی روایت و طریق سنی آن، دلیل انکار است. (جزایری، ۱۴۱۷: ۱/۲۶۲ - ۲۶۴؛ سبحانی، ۱۴۱۹: ۱۴۱۹ - ۳۸۷) فضل بن شاذان، اولین کسی است که بر این باور است و این روایات را در ردیف مفتریات بسته‌شده به پیامبر اکرم ﷺ محسوب می‌کند. (ابن شاذان، ۱۳۵۱: ۱۴)

پس از او، سید بن طاووس، به طور کلی، ناقلان سنی این روایت را اعتاب می‌کند که چرا چنین روایتی را به پیامبر نسبت می‌دهند: «آیا عاقل تعجب نمی‌کند از این روایاتی که ایشان در صحاح خود نقل می‌کنند؟ برخی که مدعی مسلمان بودن هستند، تا این حد به خداوند اهانت می‌کنند و به پیامبر بی‌احترامی کرده‌اند؟

۱. در مقاله «تحقيق در متن و استناد حدیث «ان الله خلق آدم على صورته» و نقد دیدگاه ابن عربی»، (مصطفی آذرخشی و منصور پهلوان، ۱۳۸۹) به طرح دیدگاه‌های ابن عربی و نقد آن به دقت پرداخته شده است. هم‌چنین در مقالات محسن صمدانیان و سمانه‌السادات آقادادی، ۱۳۹۸؛ محمدحسن فؤادیان و محمد میری، ۱۳۹۲ به نگرش‌های عرفانی درباره این روایت پرداخته‌اند.

۲. در ق. الله «خداگونگی‌بله مان در آفرینش»، تحقیق ماسبی از اقوال یهودیان و مسیحیان در اینجا با ارائه شده استکله : صفرتبه ار ۳۸۷، ۱).

۳. انسان شبیه خدا آفریده شده است. (تورات، ۴: ۱۹۰؛ سفر پیدایش، فقره ۹؛ خداوند، انسان را شبیه خود آفریده است. (تورات، ۴: ۱۹۰؛ سفر پیدایش، فقره ۵)

تعجب از کسانی است که معتقدند فساد این روایت در صورتی است که ضمیر در «صورته» را به خداوند برگردانند و اگر ضمیر به آدم^{صلی الله علیه و آله و سلم} برگردد، مشکلی وجود ندارد، در حالی که فساد این نظر روشن است.» (ابن طاووس، ۱۴۰۰: ۳۵۰) در نتیجه، ایشان هر نوع برداشت از حدیث را باطل می‌شمارد؛ چرا که اصل حدیث مجعلو است.

از نگاه علامه حلی نیز «این خبر و مانند آن برای خداوند، صورتی مانند صورت انسان ثابت کرده‌اند و خداوند را به خلقش شبیه کرده‌اند. این قول، تجسيم و کفر است و قابل تأویل نیست. خداوند، صورت کسانی را که چنین روایاتی را جعل کرده‌اند [یا آن‌ها را به غلط معنا کرده‌اند] زشت گرداند». (مظفر، ۱۴۲۲: ۱۶۷)

تضعیف و جرح روایان

پیش‌تر گفته شد که ناقل این روایت در طبقه صحابه، دو نفر (ابوهریره و ابن عمر) در طرق اهل سنت هستند و بیش‌ترین طریق به ابوهریره بازمی‌گردد. گروهی از عالمان اهل سنت اعم از ابن جوزی (۱۴۱۳: ۱۴۶) و ابن ابی عاصم (۱۴۱۳: ۲۲۸) در طریق ابن عمر تشکیک کرده‌اند. برخی هم‌چون نووی، طریق روایت او را ضعیف شمرده و متن روایتش را نیز دچار نقل معنای نادرست خوانده و مردود شمرده‌اند. (نووی، بی‌تا: ۱۶۶/۱۶) البته بیش‌تر ایشان، طریق ابوهریره را صحیح می‌دانند. (ابن حجر، ۱۴۰۴: ۱۷۹/۵؛ ذہبی: ۱۹۹/۲) ثمرة چنین نگاهی این است که روایت صورت، از «منفردات ابوهریره» به شمار آید.

علاوه بر این، مالک بن انس، حتی طریق ابوهریره را نیز به دلیل عالم نبودن روایان آن صحیح نمی‌داند و صدور حدیث را کاملاً انکار می‌کند. (عقیلی، ۱۴۱۸: ۲۵۲/۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۶۱/۲۸)

تقطیع و تحریف

شیخ صدوq با استناد به روایت امام رضا^{صلی الله علیه و آله و سلم}، قائل است که فرقه مشبهه [به عمد، بخش اول حدیث را که ناظر بر سبب صدور است،] تقطیع و مردم را گمراه کرده‌اند. (۱۳۶۸: ۱۵۲) سید بن طاووس نیز قائل به تقطیع و تحریف حدیث توأمان است. از نگاه وی، اصل حدیث چنین است: «خَلَقَ اللَّهُ أَدَمَ عَلَى الصُّورَةِ الَّتِي صَوَرَهَا فِي اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ». پس حدیث مورد نظر، گویای این حقیقت است که آفرینش

انسان مطابق با همان صورتی است که خداوند در لوح محفوظ مشیت کرده است. (۳۶۹: ۳۴) از این رو، حذف بخش دوم حدیث و تغییر واژه «صورت» به «صورته» از جمله آفاتی است که حدیث به آن دچار گشته است. ایشان در تعلیل نظر خود، مستندی ارائه نداده و نگفته که این نقل از حدیث را کجا مشاهده کرده که بر خلاف نقل‌های موجود و در دسترس است.

راهکار حل تعارض اخبار

اشاره شد که در نقل‌های شیعی، میان روایات خداونگاری خلقت صورت انسان، دو دستگی و تعارض وجود دارد. مهم‌تر آن که در هر دو روایت، امام در مقام پاسخ‌گویی به پرسش راوی است که از چیستی و صحت نقل‌های اهل سنت نسبت به پیامبر سؤال می‌کند. پس مقام بحث هر دو امام یکسان است.

چون نمی‌توان در آن واحد، هم قائل به وجود صورت و مفهوم تأویلی آن شد و هم آن را رد کرد، عالمان سعی کرده‌اند این تعارض را با تراوش‌های ذهنی خود حل کنند. عالمان متقدم به این تعارض اشاره‌ای نکرده‌اند، اما از متأخران، علامه مجلسی با این که سند روایت کافی (روایت امام باقر^ع) را ضعیف می‌شمارد، عدم نفی امام نسبت به روایت تقطیع شده و پاسخ ایشان را از باب تقيه فرض می‌گیرد. امام، حدیث را به گونه‌ای بیان کرده است که با تعالیم توحیدی اسلام سازگار باشد یا این که مفروض امام، تقطیع نشدن روایت باشد. (۱۴۰: ۲ / شرح، ۸۴؛ ۱۴۰۳: ۱۲۱/۱۱)

علامه مجلسی، اختلاف دو روایت را با دو وجه یادشده حل می‌کند و توضیحی درباره وجه دوم خود ارائه نمی‌دهد. ملا صالح مازندرانی، هدف امام باقر^ع را از تفسیر روایت، تذکر این نکته می‌داند که بر فرض پذیرش اصل آن هم هیچ دلالتی بر تشییه و اثبات صورت برای خداوند نمی‌کند. (مازندرانی، ۱۴۲۱: ۳۰۳ / ۱۴۰۳) خوبی علاوه بر باورمندی به صدور تقيه‌ای حدیث می‌گوید که امام در مقام دفع شببهٔ تشییه است و در مقام بیان صحت و عدم تحریف روایت نیست. منظور امام این است که به فرض صحت هم باید حدیث را به غیر تشییه معنا کرد. (۱۳۶۰: ۴۷/۲)

نظر ایشان همان تشریح نظر مازندرانی است.

به باور امام خمینی در کتاب چهل حدیث، لازم نیست که روایت را بر تقيه حمل

کنیم؛ زیرا ممکن است هر دو روایت صادر شده باشد؛ در موقعیت و شرایطی با تبیین امام رضا^ع و با سابقه و در موقعیت دیگر با تبیین امام باقر^ع و بی سابقه. (نک: خمینی، بی تا: ۶۳۲/۳۷) بنا بر این، فرض صدور چندباره روایت، در شرایط و مقام‌های مختلف، راه دیگر حل این تعارض به شمار می‌رود. علاوه بر این، ایشان محتمل می‌داند که بتوان حدیث امام رضا^ع را به حدیث اول ارجاع داد و مقصود از «آدم»، نوع آدمی باشد و ضمیر «علی صورته» به حق تعالی برگردد. در واقع، امام رضا^ع به مناسب آن که راوی، اهل فهم معنای حدیث نیست و قدرت تحملش پایین است، صدر حدیث را نقل فرموده است که آن شخص توهمند مراد از آدم، حضرت ابوالبشر است و ضمیر «علی صورته» به آن شخص برگردد. (نک: خمینی، بی تا: ۶۳۲/۳۷)

حاصل آن است که این روایت در زبان دانشوران، مسیری از پذیرش تا انکار را پیموده است و آن را از پرچالش ترین روایات در حوزه توحید می‌توان برشمرد؛ چون با بیش از ۲۲ برداشت و وجه معنایی در فرض‌های مختلف از سوی عالمان روبرو گشته است. همه عالمان شیعی و نیز عمده عالمان اهل سنت در صورت پذیرش «خلقت خداآگونه صورت انسان»، آن را به غیر معنای تجسيم تأویل کرده‌اند. حتی جمهور سلف اهل سنت که عمدتاً قائل به تشبيه بلاکیف هستند، در پذیرش این روایت، احتیاط را شرط دانسته و روایت را برخلاف ظاهرش حمل کرده‌اند (نووی، بی تا: ۱۶۶/۱۶؛ ابن جوزی، ۱۴۵ - ۱۴۷؛ ابن حیث، ۱۴۱۳) که جای بسی تأمل است.

نتیجه‌گیری

خاستگاه مكتوب حدیث «خداآنگاری صورت انسان» در شیعه، ابتدای قرن چهارم و در اهل سنت، نیمة اول قرن سوم است و همه منابع ناقل روایت در شمار جوامع متقدم روایی هستند و جایگاهی ویژه دارند. این روایت با احتساب نقل شیعی و سنی و با داشتن حداقل پنج راوی در هر طبقه، به ظاهر «مشهور» خواهد بود. البته این نگاه ظاهری، قابل خدشه است؛ چون امامان این متن را گزارش نکرده و تنها در پاسخ روایان که از متن موجود در اهل سنت پرسیده‌اند، به گونه‌ای آن را توجیه کرده‌اند. این طرق، طریق شیعی محسوب نمی‌شوند. هم‌چنین با وجود



تشکیک در نقل ابن عمر چه بسا بتوان ابوهریره را راوی انحصاری این روایت معرفی کرد.

این روایت در نگاه دانشوران فریقین، مسیری از پذیرش تا انکار را پیموده است و آن را از پرچالش‌ترین روایات در حوزه توحید می‌توان برشمود؛ چون با بیش از ۲۲ برداشت وجه معنایی در فرض‌های مختلف از سوی عالمان روبرو گشته است. همه عالمان شیعی و نیز عمدۀ عالمان اهل سنت در صورت پذیرش «خلقت خداآگونۀ صورتِ انسان»، آن را به غیر معنای تجسيم تأویل کرده‌اند. حتی جمهور سلف اهل سنت که عمدتاً قائل به تشبیه بلاکیف هستند، در پذیرش این روایت، احتیاط را شرط دانسته و روایت را بر خلاف ظاهرش حمل کرده‌اند.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی عاصم، عمرو، (۱۴۱۳)، کتاب السنة، بیروت: المکتب الاسلامی.
۳. ابن ابی جمهور احسانی، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۳)، عوالی اللثالی العزیزه فی الاحادیث الدینیة، تحقیق: مجتبی عراقی، قم: مؤسسه سید الشهداء.
۴. ابن تیمیه، احمد، (بی تا)، الفتوى الحمویه الکبری، تحقیق: محمد بن ریاض الاثری، بیروت: عالم الکتب.
۵. ابن جوزی، عبدالرحمن، (۱۴۱۳)، دفع شبه التشییه بـأکف التنزیه، تحقیق و تقدیم: حسن السقاف، الأردن: دار الإمام النووی.
۶. ابن حبان، محمد، (۱۴۱۴)، صحیح ابن حبان، تصحیح: شعیب الأرنؤوط.
۷. ابن حجر، احمد بن علی، (۱۴۰۴)، تهذیب التهذیب، بیروت: دار الفکر.
۸. ابن حجر، احمد بن علی، (بی تا)، فتح الباری، بیروت: دار المعرفة.
۹. ابن شاذان، فضل، الإیضاح، تصحیح: السید جلال الدین الحسینی الارموی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. ابن طاووس، السید علی بن موسی، (۱۴۰۰)، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، قم: بی نا.
۱۱. ابن طاووس، السید علی بن موسی، (بی تا)، سعد السعود، قم: دار الذخائر.
۱۲. ابن عربی، محیی الدین، (بی تا)، الفتوحات المکیه، بیروت: دار صادر.

١٣. ابن عساكر، على بن حسن، (١٤١٥)، تاريخ مدینه دمشق، تحقيق: على شيري، بيروت: دار الفكر.
١٤. ابن عماد، عبدالحى بن احمد، (١٤٠٦)، شذرات الذهب في اخبار من ذهب، اشرف: محمود ارناؤوط، بيروت: دار ابن كثير.
١٥. ابن منبه، همام، (١٤٠٦)، الصحيفة، تحقيق: رفعت فوزي، القاهرة: مكتبة الخانجي.
١٦. ابوريه، محمود، (١٩٧٠)، شيخ المضيـه ابوهـريـه، مصر: دار المعارف.
١٧. احمد بن خليل، (بي تا)، مسند احمد، بيروت: دار صادر.
١٨. استرآبادی، محمد جعفر، (١٣٨٢)، البراهين القاطعة في شرح تجريد العقائد الساطعة، قم.
١٩. آذرخشی، مصطفی و منصور پهلوان، (١٣٨٩)، «تحقيق در متن و اسناد حديث «إنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ» و نقد دیدگاه ابن عربی»، پژوهشـهـای قرآن و حدیـثـ، سال چهل و سوم، شماره ٢، صص ٣٤-٣٥.
٢٠. آمدی، سيف الدين، (١٤٢٣)، أبكار الأفكار في أصول الدين، قاهرـهـ.
٢١. البانـیـ، (١٤١٣)، كتاب السنـهـ لحافظـابـکـرـ عمـروـ بنـ خـالـدـ، بيـرـوـتـ: المـکـتبـ الـاسـلامـیـ.
٢٢. بخارـیـ، محمدـ بنـ اسمـاعـیـلـ، (١٤٠١)، صحيحـ البـخارـیـ، إـسـتـانـبـولـ: دـارـ الفـکـرـ للـطبـاعـةـ وـ النـشـرـ وـ التـوزـيعـ.
٢٣. بغدادـیـ، اسمـاعـیـلـ باـشاـ، (١٣٣٩)، إـیـضـاحـ المـکـنـونـ، تصـحـیـحـ: رـفـعـتـ بـیـلـگـهـ الـکـلـیـسـیـ، بيـرـوـتـ: دـارـ إـحـیـاءـ التـرـاثـ الـعـرـبـیـ.
٢٤. بنـ باـزـ، عبدـ العـزـيزـ، (١٤١٦)، مـجمـوعـةـ فـتاـوىـ، رـیـاضـ: دـارـ الوـطـنـ.
٢٥. پـاـکـتـ چـھـیـ، اـحـمـدـ، (١٣٩٣)، «اـحـادـیـثـ آـفـرـیـشـ آـدـمـ (ـعـلـىـ صـورـتـهـ)»: چـالـشـهـایـ فـہـمـ درـ سـدـهـهـایـ دـوـمـ وـ سـوـمـ هـجـرـیـ»، مجلـهـ مـطـالـعـاتـ فـہـمـ حـدـیـثـ، دورـهـ اـوـلـ، شـمـارـهـ ١ـ، صـصـ ٩ـ - ٢٧ـ.
٢٦. تـفـازـانـیـ، سـعـدـ الدـلـیـنـ، (١٤٠٨)، شـرـحـ المـقـاصـدـ، قـمـ: اـنـتـشـارـاتـ شـرـیـفـ رـضـیـ.
٢٧. تـورـاتـ، (١٩٠٤)، تـحـقـيقـ وـ تـرـجـمـهـ: سـیدـ اـبـوـ الفـضـلـ سـاقـیـ، لـنـدـنـ: Unwin Brothers.
٢٨. جـزـاـیرـیـ، سـیدـ نـعـمـتـ اللهـ، (١٤١٧)، نـورـ الـبرـاهـینـ، قـمـ: مؤـسـسـةـ النـشـرـ الإـسـلامـیـ.
٢٩. جـوـینـیـ، عبدـ الـملـکـ، (١٤١٦)، الإـرـاشـادـ إـلـىـ قـوـاطـعـ الـأـدـلـةـ فـيـ أـوـلـ الـاعـقـادـ، بيـرـوـتـ.
٣٠. حـمـیدـیـ، عبدـ اللهـ بنـ زـیـرـ، (١٤٠٩)، المـسـنـدـ، تـحـقـيقـ وـ تـعـلـیـقـ: حـبـیـبـ الرـحـمـانـ الـأـعـظـمـیـ، بيـرـوـتـ: دـارـ الـکـتـبـ الـعـلـمـیـ.
٣١. خـمـینـیـ، سـیدـ روـحـ اللهـ، (بيـ تـاـ)، شـرـحـ چـھـلـ حـدـیـثـ، تـهـرانـ: مؤـسـسـهـ تـنظـیـمـ وـ نـشـرـ آـثارـ اـمـامـ خـمـینـیـ.
٣٢. دـینـورـیـ، اـبـنـ قـتـیـبـیـ، (بيـ تـاـ)، تـأـوـیـلـ مـخـتـلـفـ الـحـدـیـثـ، بيـرـوـتـ: دـارـ الـکـتـبـ الـعـلـمـیـ.
٣٣. ذـهـبـیـ، شـمـسـ الدـلـیـنـ، (١٤٠٧)، تـارـیـخـ الـاسـلامـ، بيـرـوـتـ: دـارـ الـکـتـابـ الـعـرـبـیـ.
٣٤. ذـهـبـیـ، شـمـسـ الدـلـیـنـ، (١٤١٣)، سـیرـ اـعـلـامـ الـبـلـاءـ، إـشـرافـ وـ تـخـرـیـجـ: شـعـیـبـ الـأـرـنـوـوطـ، بيـرـوـتـ: مؤـسـسـةـ الرـسـالـةـ.

٣٥. ذهبي، شمس الدين، (بى تا)، تذكرة الحفاظ، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
٣٦. سبحانى، جعفر، (١٤١٩)، الحديث النبوى بين الرواية والدرایة، قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام.
٣٧. سبزوارى، ملاهادى، (١٣٨٣)، أسرار الحكم، قم.
٣٨. سقاف، حسن بن على، (١٤١٠)، فتح المعين، الأردن: مكتبة الإمام النبوى.
٣٩. سيد مرتضى، على بن الحسين، (١٣٢٥)، الأمالي، تصحيح وتعليق: السيد محمد بدرا الدين النعساني الحلبي، قم: منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى.
٤٠. سيد مرتضى، على بن الحسين، (١٤٠٥)، رسائل الشريف المرتضى، تحقيق: السيد مهدى رجايى، قم: دار القرآن كريم.
٤١. سيد مرتضى، على بن الحسين، (١٤٠٩)، تنزيه الأنبياء، بيروت: دار الأضواء.
٤٢. شاكر سلماسى، مجید، (١٣٩٣)، «بررسى سندى ودلالى روایت "إنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ"»، سفينة، سال دوازدهم، شماره ٤٥، صص ٥٢ - ٥٨.
٤٣. شرف الدين عاملی، سيد عبدالحسين، (بى تا)، ابوهريه، قم: انصاريان.
٤٤. شهرستانی، محمد بن عبدالكريم، (بى تا)، الملل والنحل، تحقيق: محمد سيد كيلاني، بيروت: دار المعرفة.
٤٥. شهید ثانی، زین الدين بن على، (١٤٠٨)، الرعاية في علم الدرایة، تحقيق: عبدالحسين محمد علي بقال، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى.
٤٦. صدرالمتألهين، محمد بن ابراهيم، (١٣٦٦)، شرح أصول الكافي، تهران.
٤٧. صدوق، محمد بن على، (٤١٤٠)، عيون أخبار الرضا عليه السلام، تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
٤٨. صدوق، محمد بن على، (بى تا)، التوحيد، تصحيح وتعليق: السيد هاشم الحسيني الطهراني، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجمعية.
٤٩. صفتربار، صفر، (١٣٨٧)، «خداگونگى انسان در آفرینش»، ماهنامه علمي - ترويجى معرفت، سال هفدهم، شماره ٩ (پیاپی ١٣٢)، صص ٩١ - ١٠٦.
٥٠. صمدانیان، محسن و سمانه السادات آقادادی، (١٣٩٨)، «روایتشناسی حدیث "إنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ" و چگونگى بازتاب آن در متون مشور سنت اول عرفانی»، پژوهشنامه عرفان، شماره ٢٠، صص ٩٠ - ٦٥.
٥١. صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، بى جا: منشورات المجلس العلمي.
٥٢. طباطبائی، سيد محمد كاظم، (١٣٩٦)، درآمدی بر فهم احاديث مشکل، قم: دار الحديث.
٥٣. طبرانی، ابوالقاسم سليمان بن احمد، (بى تا)، المعجم الكبير، تحقيق: حمدي عبدالمجيد

- السلفي، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
٥٤. طوسى، خواجه نصيرالدين، (١٤٠٥)، تلخيص المحصل المعروف بفقد المحصل، بيروت.
٥٥. عقيلي، محمد بن عمرو، (١٤١٨)، الضعفاء الكبير، بيروت: دارالكتب العلمية.
٥٦. فاضل مقداد، (١٤٢٢)، اللوامع الالهية في المباحث الكلامية، تحقيق وتعليق: شهيد قاضى طباطبائي، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
٥٧. فؤاديان، محمدحسن، (١٣٨٠)، «پرتو حسن در شرح حدیث صورت»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال چهل و ششم، شماره ٢ و ٣، صص ٦٣١-٦٥٤.
٥٨. فيض کاشانی، محمد بن مرتضی، (١٣٨٧)، رسائل فيض کاشانی، تهران.
٥٩. فيض کاشانی، محمد بن مرتضی، (١٤٠٦)، الوافي، تحقيق وتصحيح: ضياءالدين الحسيني، اصفهان: مكتبة الامام أميرالمؤمنین عليؑ.
٦٠. قمى، قاضى سعيد، (بى تا)، شرح توحيد الصدق، تهران: وزارة فرهنگ و ارشاد اسلامی.
٦١. كراجكى، ابوالفتح، (بى تا)، كنز الغوائد، بى جا: بى نا.
٦٢. كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، (١٣٦٣)، الكافي، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفارى، تهران: دار الكتب الإسلامية.
٦٣. مازندراني، مولى محمدصالح، (١٤٢١)، شرح أصول الكافي، تعلیقات: المیرزا أبوالحسن الشعراي، ضبط و تصحيح: السيد علي عاشور، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
٦٤. مجلسى، محمدباقر، (١٤٠٣)، بحار الأنوار، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
٦٥. مجلسى، محمدباقر، (١٤٠٤)، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول ﷺ، تصحيح: السيد هاشم الرسولي، تهران: دار الكتب الإسلامية.
٦٦. محمدى رى شهرى، محمد، (١٣٨٦)، دانش نامه عقاید اسلامی، قم.
٦٧. مسعودى، عبدالهادى، (١٣٨٩)، درس نامه فهم حدیث، قم: زائر.
٦٨. مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري، أبوالحسين، (بى تا)، صحيح مسلم، بيروت: دار الفکر.
٦٩. مشكور، محمدجود، (١٣٧٢)، فرنگ فرق اسلامی، مشهد: بى نا.
٧٠. مظفر، محمدحسن، (١٤٢٢)، دلائل الصدق لنهج الحق، قم.
٧١. میرى، محمد، (١٣٩٢)، «تفسیر عرفانی حدیث آفرینش انسان بر صورت الهی در اندیشه امام خمینی»، پژوهشنامه متین، دوره ١٥، شماره ٦٦، صص ١١١ - ١٣٠.
٧٢. نووى، محبى الدين بن شرف، (١٤٠٧)، شرح صحيح مسلم، بيروت: دار الكتاب العربي.
٧٣. هاشمى خوبي، حبيب الله، (١٣٦٠)، منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة، سيد إبراهيم الميانجي، تهران: بنیاد فرهنگ امام المهدی (ع).